

«سفر» و اهداف و آداب آن در نزد صوفیان از قرن اول تا قرن نهم ه. ق.

روح الله هادی*

زهرا پارساپور**، آزاده مولایی***

چکیده

سفر از سنت‌های دیرینه در اندیشه صوفیانه است. با نگاهی به پیشینهٔ این سنت در منابع اسلامی، در می‌یابیم که صوفیه برای سفرهای خود اهداف و کارکردهای خاصی قائل بودند که می‌توان بر مبنای آن سفرهای آنها را دسته‌بندی و تعریف نمود. در این مقاله با بررسی منابع اصلی صوفیه از قرن اول تا قرن نهم این اهداف و کارکردها را در دو بخش بیرونی و درونی استخراج نموده و به بررسی آدابی، ماجراها و حکایاتی پرداخته‌ایم که در کتب تصوف متناسب با هر یک از این انواع روایت شده است. نتیجهٔ این پژوهش نشان می‌دهد که در طول این نه قرن سفرهای صوفیه از حیث کمیت، کیفیت، اهداف و کارکردها یکسان نبوده است. تلاش نمودیم صوفیان مسافر را در هر قرن معرفی و اهداف آنها را نشان دهیم و از اتفاقات خاص این سفرها که صوفیان بدان اشارت کرده‌اند، یاد کنیم. روش ما در این پژوهش روش کتابخانه‌ای بوده است و با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان گفت که سیر آفاق در مقایسه با سیر انفس از اهمیت ثانویه برخوردار بوده و هدف اصلی از سیر آفاق نیز شناخت و تزکیهٔ نفس یا سیر در آن بوده است.

کلیدواژه‌ها: صوفیه، سفر، سیر آفاق، سیر انفس، صوفیان مسافر.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران (نویسندهٔ مسئول)، rhadi@ut.ac.ir
** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، parsapoor@ihcs.ac.ir
*** دانش آموختهٔ دکترای زبان و ادبیات فارسی، molaie1980@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۱۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۴/۱۸

۱. مقدمه

انسان در نزد گروهی از صوفیان، نسخه و نمودار جهان هستی است و به گمان آنان هر آنچه که در عالم هستی وجود دارد، در وجود انسان نیز نهفته است. همین معنی راز پیوستگی سیر و سفر در جهان هستی به عنوان عالم کبیر و در وجود انسان به عنوان عالم صغیر را آشکار می‌سازد. سیر در جهان بیرون به صوفی کمک می‌کند تا در درون خویش سفر کند و خود را بشناسد. به نظر می‌رسد که سیر و سیاحت جهان که بسیاری از صوفیان بدان التزام داشته‌اند؛ در واقع جلوه‌ظاهری سفر درونی و در حکم مقدمه و زمینه‌ساز آن بوده است. بر اساس روایات و اقوال منسوب به صوفیان، منظور از «سیر آفاق» همان سفر جسمانی، سیاحت و گردش در عالم ظاهر و مقصود از «سیر انفس» تأمل در وجود، ذات و نفس آدمی است. با یادآوری این نکته که اصل بر تحول درونی و سفر باطنی است:

و بدانید که سفر بر دو قسمت است. سفری بود بر تن و آن از جایی به جایی انتقال کردن بود و سفری بود به دل و آن از صفتی به صفتی دیگر گشتن بود، هزاران بینی که به تن سفر کند و اندکی بود آنکه به دل سفر کند. (قشیری، ۱۳۸۸: ۴۸۸)

شیخ محمود شبستری عارف نامدار قرن نهم نیز «آفاق» را عالم ظاهر و «انفس» را عالم باطن یا ارواح می‌داند. (شبستری، ۱۳۶۵: ۱). صوفیه از این سیر و سیاحت جسمانی، اهداف مشخصی را دنبال می‌کردند که نهایتاً همگی آنها به هدف اصلی تهذیب نفس و تصفیه آن از صفات نکوهیده بشری، منجر می‌شد. اهمیت این موضوع در میان اهل تصوف تا حدی بود که آنان را به مناسبت گشتن در بیابان و اقامت در غارها «سیاحان» یا «شِکفتیان» می‌خواندند (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۳۳-۱۳۲) و «سیاحت» را از مبانی تصوف برمی‌شمردند. (هجویری، ۱۳۸۹: ۵۴) با این مقدمات برآینم تا در این مقاله رابطه سفر بیرونی و درونی را نشان داده و فواید و انواع هر یک را برشماریم. ما بر این باوریم که سفر اسباب ریاضت صوفیان و نمودار توکل آنان بوده است که از بیرون آغاز گردیده و به سفر درونی پایان یافته است. روش ما در این پژوهش روش کتابخانه‌ای بوده است که برای مطالعات ادبی مناسب و رایج است.

۲. پیشینه پژوهش

«سفر» و اهداف و آداب آن در نزد صوفیان از قرن اول تا ... ۱۶۵

با وجود اهمیت و جایگاه خاص سفر در عرفان و تصوف اسلامی آن دسته از پژوهش‌هایی که به صورت خاص به این موضوع و بررسی جنبه‌ها و کارکردهای مختلف آن پرداخته باشند، محدود و انگشت شمارند. به علاوه بیشتر پژوهش‌هایی که تاکنون در این زمینه انجام شده است، به بررسی جنبه‌هایی خاص از این موضوع پرداخته و یا اینکه مبتنی بر دیدگاهی خاص بوده‌اند. به عنوان مثال در مقاله هوشنگ محمد افشار تحت عنوان «سفر در متون نثر عرفانی» که در پاییز ۱۳۸۸ در فصلنامه پژوهش زبان و ادبیات فارسی به چاپ رسیده است، سفر ظاهری، انواع و آداب و شرایط آن بر مبنای دیدگاه‌های گوناگون متصوفه تا پایان قرن هشتم مورد بررسی قرار گرفته است.

میثم احمدی و لیلا هاشمیان نیز در مقاله‌ای تحت عنوان «سیر آفاق در مشرب متصوفه» که در تابستان ۱۳۸۹ در فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره‌شناسی به چاپ رسیده، به بررسی انواع سفرهای صوفیان و هدف آنها از انجام این سفرها پرداخته‌اند.

رساله دکتری فاطمه طاهری با عنوان «تحلیل و بررسی جایگاه سفر در متون عرفانی تا قرن هشتم» که در سال ۱۳۸۲ در دانشگاه اصفهان نگاشته شده از دیگر آثار پژوهشی تألیف شده در ارتباط با موضوع سفر در تصوف است. در این رساله سفر آفاقی و جایگاه آن در عرفان و متون عرفانی تا قرن هفتم هجری بررسی شده است و مباحثی چون آداب و اهداف سفر، نظر مشایخ درباره‌ی این گونه سفر و نتایج آن براساس این متون تبیین گشته است همچنین به بررسی سفر انفسی در متون عرفانی پرداخته و مباحثی نظیر سیر و سلوک، آداب، شرایط، منازل، لوازم و اهداف آن و همچنین مراحل و نتایج سیر و سلوک بررسی شده است.

از دیگر پژوهش‌های انجام گرفته در این زمینه پایان نامه کارشناسی ارشد عاطفه رضازاده قویدل دانشجوی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه تبریز است که با عنوان «سفر در آداب صوفیه» در سال ۱۳۸۸ تألیف شده است و به بررسی آداب و رسوم سفر صوفیه در متون عرفانی از اواسط قرن چهارم تا اواسط قرن هشتم هجری اختصاص دارد.

از دیگر پایان نامه‌های تحصیلی در این مورد می‌توان به «تحلیل سفر در متون عرفانی» نوشته فاطمه طاهری (دانشگاه اصفهان ۱۳۸۲)، «سفر در عرفان» نوشته اکرم علی بخشی (دانشگاه شهید باهنر کرمان ۱۳۸۷) و «سیر آفاق و انفس در مثنوی مولوی» نوشته علیرضا خادم الفقرا (دانشگاه شهید بهشتی ۱۳۸۰) اشاره کرد که همگی به بررسی سفرهای ظاهری در عرفان و تصوف اختصاص دارند.

کتاب سفر در تصوف و عرفان تألیف ناصر محسنی نیا و اکرم علی بخشی و کتاب بررسی معانی سفر آفاقی و دستاوردهای آن از منظر عرفای مسلمان نوشته فریده فخاری نوغانی نیز از آثاری است که در این حوزه به تحریر درآمده است.

مقاله حاضر علاوه بر بررسی جنبه‌های مختلف سفرهای ظاهری و باطنی عرفا به پیوند نهانی این دو نوع سیر و سفر در تصوف نیز توجه دارد و آنها را دو روی یک سکه می‌داند. بر این اساس در این پژوهش نگارندگان کوشیده‌اند تا چگونگی تأثیر سیر آفاق و جنبه‌های مختلف آن را بر سیر و سفر انفسی سالک مورد بررسی قرار دهند. باشد که به عنوان گامی هرچند کوچک برای علاقه‌مندان این حوزه کارگشا باشد.

۳. «سفر» و منابع الهام‌بخش آن

سرچشمه اصلی تصوف اسلامی دین اسلام است، از این رو باید منابع اصلی الهام‌بخش آداب و سنن آن را نیز در همان بستر جستجو کرد؛ هر چند که در این میان با توجه به همزیستی و مراودات گسترده مسلمانان با صاحبان ادیان و مشرب‌های فکری دیگر همچون بوداییان و مسیحیان، تصوف اسلامی بدون شک رنگ و بویی از این ادیان و مشرب‌ها در هر سه گستره جغرافیایی خود گرفته است. به عنوان مثال رواج گسترده سیر آفاق در میان صوفیان منطقه خراسان و ماوراءالنهر را می‌توان تا حدی تحت تأثیر آیین بودایی دانست که از قرن‌ها پیش از ظهور اسلام در این منطقه به مرکزیت بلخ رواج داشته و تجارت و سفر یکی از اصلی‌ترین راه‌های انتقال آن به سرزمین‌های دیگر محسوب می‌شده است. (فولتس، ۱۳۸۶: ۸۴) در مورد صوفیان منطقه عراق و مصر و شام نیز، در نخستین گام، تأثیرپذیری از آموزه‌های دین مسیح انکارناپذیر می‌نماید. تماس و آشنایی اعراب با مسیحیان و شیوه‌های رهبانیت آنان سال‌ها پیش از ظهور اسلام آغاز گشته بود و در این دوران به دلیل انتشار عقاید دین مسیح و فرهنگ و علوم یونانی از سه کانون دیرهای مسیحیان شام، مدرسه جندی شاپور خوزستان و صابئین حران در شبه جزیره عربستان؛ با ظهور چهره متفاوتی از تصوف روبرو می‌شویم که در تقابل با زهد و ورع محض قرار می‌گیرد و آن را «تصوف اشراقی» Theosophical Mysticism نامیده‌اند. (نیکلسون، ۱۳۵۷: ۵۷-۵۸)

یکی از مهم‌ترین شخصیت‌های تصوف در منطقه مصر و شام ذوالنون مصری است که سرگذشتش با سفر و سیر و سیاحت عجین گشته است. برخی از محققان افکار ذوالنون را تحت تأثیر تعالیم مسیحی رایج در شمال آفریقا می‌دانند. (برتلس، ۱۳۳۶: ۳۰) زیرا

سیاحت و جهانگردی به عنوان یکی از ویژگی‌های اصلی حضرت مسیح (ع)، در میان راهبان مسیحی رواج بسیار زیادی داشت و همین راهبان بودند که آموزه‌های مسیح را به سرزمین‌های دور و نزدیک منتقل کردند و بعید نیست که در شکل‌گیری برخی آیین‌های تصوف اسلامی نیز تأثیر گذار بوده باشند. حضرت عیسی (ع) مصداق کامل و روشنی از گردشگران و سیاحان جهان است و اهمیت سیاحت در زندگی ایشان تا حدی است که به «مسیح» شهرت یافته است. که ریشه آن «ساح» به معنای «رفت» است (ثواقب، ۱۳۸۸: ۲۹). با این حال بدون شک سرچشمه اصلی تصوف اسلامی و آداب و سنن آن را چنانکه بدان اشاره کردیم، بایستی در تعالیم قرآن و سنت پیامبر گرامی اسلام (ص) جست. در قرآن کریم از جمله آل عمران/ ۱۳۷، انعام/ ۱۱، نحل/ ۳۶، نمل/ ۶۹ و عنکبوت/ ۲۰، با تعبیر مکرر «سیروا فی الأرض» به سیر و سیاحت در زمین و تدبر در آثار گذشتگان سفارش شده است. اهمیت سیر و سیاحت در قرآن کریم تا جایی است که در آیه ۱۱۲ توبه «سائح» بودن از ویژگی‌های مومنان واقعی دانسته شده است. در دسته دیگری از آیات نیز همچون ۱۰۹ یوسف، ۴۴ فاطر و ۹ روم با استفاده از تعبیر «أولم» یا «أفلم یسیروا فی الأرض» در قالب پرسشی بلاغی و به ملامت سفر ناکردگان و تحریض مؤمنان به مسأله سیر و سیاحت پرداخته شده است. (یعقوبی، زمستان ۱۳۷۶: ۵۵-۶۰) در زندگی پیامبر گرامی اسلام (ص) نیز سفرهای متعددی با اهداف مختلف تجاری، تبلیغی، دفاعی و ... گزارش شده است. در اوراد الاحباب در مورد اهمیت سفر از دیدگاه ایشان آمده است:

قال الله تعالی: «رجال لا تلهيهم تجارة ولا بيع عن ذكر الله». از رسول (ص) پرسیدند که این مردان که خدای در این آیت می‌فرماید کدامند؟ فرمود آن کسانی که در زمین سفر می‌کنند. فضل خدای تعالی می‌جویند. و باز فرمودند: «سافروا تصحوا تغتموا» و دیگر فرموده است که غریب شهید است و گور غریب را همان مقدار گشاده و فراخ کنند از گور او تا آنجا که خانه اوست (باخرزی، ۱۳۵۸: ۱۵۷)

زندگی دیگر انبیای الهی همچون نوح، ابراهیم، موسی، آدم، لوط، یعقوب، سلیمان و ذوالقرنین نیز در منابع اسلامی با سفر و سیاحت همراه بوده است. صاحب شرح التّعرف، این سفرهای انبیا را نشانه‌ای می‌داند بر این حقیقت که سیر آفاق بهترین وسیله برای ریاضت نفس و تربیت محسوب می‌شود. چون در غیر این صورت، خداوند خاصان درگاه خود را با راه دیگری مورد آزمایش قرار می‌داد. (مستملی بخاری، ۱۳۶۳: ۱۱۸۰-۱۱۸۱) بر همین اساس صوفیان با تأسی به سنت پیامبران الهی، ترک وطن و غربت را شعار اصلی

خود قرار دادند و در این کار تا آنجا پیش رفتند که آنها را «غریب» می‌خواندند. (همان: ۱۳۱)

۴. اهداف و کارکردهای صوفیه از «سفر»

صوفیان از سفر در عالم ظاهر و سیر در آفاق اهداف خاصی را دنبال می‌کردند که در یک نگاه کلی، می‌توان آنها را به دو دسته «بیرونی» و «درونی» تقسیم‌بندی کرد:

۱،۴ اهداف و کارکردهای بیرونی

در حقیقت آنچه که سفرهای ظاهری و سیر در آفاق را در مشرب تصوف تا این حد برجسته و پراهمیت ساخته است، کارکردهای درونی آن بوده است. تا جایی که به خصوص در قرون اولیه شکل‌گیری و رواج تصوف، همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد، سالکان و صوفیان بدون تعیین مقصدی خاص به سیر در کوه‌ها و بیابان‌ها و شهرها می‌پرداختند تا از کارکردهای درونی سفر برای رشد نفسانی خود بهره‌مند گردند. با این حال به تدریج برخی اهداف بیرونی نیز برای این قبیل سفرهای ظاهری در نظر گرفته شد که به گسترش مبانی تصوف و حرکت تدریجی آن به سوی یک نظام معرفتی انجامید. این اهداف و کارکردهای بیرونی عبارتند از:

۱،۱،۴

جستجوی معشوق و پراکندن نام و یاد او بر روی زمین: یکی از زیباترین تفاسیری که از سیر آفاق در میان اهل تصوف صورت گرفته است، برداشتی است که ابن عربی در فتوحات مکیه از این موضوع دارد. بنابر گفته وی، صوفیان و عارفان برای آنکه هیچ یک از نقاط جهان هستی از ذکر حق تعالی خالی نباشد به سیر در بیابان‌ها، دره‌ها و وادی‌های خالی از سکنه می‌پردازند و آنجا را با نام و یاد خدا پر می‌کنند. (ابن عربی، ۱۳۸۱: ۱۲۰)

بدون تردید چنین دیدگاهی به سفرهای ظاهری جنبه‌ای تبلیغاتی نیز می‌بخشید که گسترش مبانی تصوف از نتایج مستقیم آن به شمار می‌رود.

۲،۱،۴ یافتن پیر و مرشدی کامل

«سفر» و اهداف و آداب آن در نزد صوفیان از قرن اول تا ... ۱۶۹

برخی صوفیان با سیر در شهرها و بادیه‌ها، علاوه بر بهره‌گیری از تأثیرات درونی این گونه سفرها، مراد مطلوب خود را نیز طلب می‌کردند و گاه سال‌ها بدین منوال سپری می‌شد تا اینکه سرانجام گمشده خود را در جایی بیابند. بایزید بسطامی از جمله صوفیانی بود که در دوران جوانی به چنین سفرهایی دست زد و سال‌ها در عراق و شام و ایران به جستجوی پیر پرداخت و به گفته خود ۳۱۳ پیر را خدمت کرد. (سهلگی، ۱۳۸۴: ۱۰۹) در سرگذشت شیخ نجم‌الدین کبری نیز آمده است که در طلب مرشد، مسافر می‌گشت و به هر کس که می‌رسید ارادت درست نمی‌کرد. (جامی، ۱۳۷۵: ۴۲۴) ابونصر بن ابی جعفر بن ابی اسحق هروی خانجه بادی نیز پس از توبه، در جستجوی پیری کامل سیصد پیر را خدمت کرد و سرانجام صحبت خضر دریافت. (همان: ۳۵۹)

۳،۱،۴ انجام مناسک حج و زیارت خانه خدا

صوفیان با نگاه ژرف و خاص خود، تأویلی متفاوت از حج را مطرح می‌کنند. برای صوفیان رحلت از وطن به قصد زیارت خانه خدا به معنای رحلت از معاصی است. هر منزلی که از این راه طی می‌شود باید با پشت سر گذاردن منزلی از منازل طریقت همراه باشد. مُحَرِّم شدن برای صوفیان در معنای جدا شدن از صفات بشری است. وقوف در عرفات، کشف و مشاهدت است. رفتن به مُزدلفه و حصول مراد، به معنای ترک همه مرادهاست. طواف خانه خدا، مشاهده سر است اندر محل تنزیه لطایف جمال حق. سعی میان صفا و مروه، درک مقام صفا و درجه مروت است. قربانی کردن، قربانی کردن خواسته‌های نفس است و سنگ انداختن، انداختن معانی نفسانی است. (هجویری، ۱۳۸۹: ۴۸۱ - ۴۸۳) بدین ترتیب سفر حج برای آنان نوعی تلفیق سیر آفاق و انفس است که مراتب سفر ظاهری را با سیر درونی همراه می‌کند و دلیل تأکید نویسندگان صوفی بر این نوع سفر نیز همین حقیقت است. از نکات قابل توجه در این میان، تعدد سفرهای حج است که در مواردی ۱۳، ۴۰ و حتی ۷۰ بار را نیز شامل می‌شده است. چنانکه ابوشعیب مقنع مصری، از شاگردان ابوسعید خرازی هفتاد حج به جا آورده بود و روزی تمامی آنها را برای کمک به سگی تشنه فروخت. (جامی، ۱۳۷۵: ۷۶)

۴،۱،۴ غزو و جهاد با کفار

در قرن‌های اولیه اسلام، سفر به منظور جنگ با کفار و گسترش دین در میان اهل تصوف رواج داشته است و نام برخی از آنان در شمار غازیان آمده است. از جمله، عطار در شرح احوال عبدالله مبارک می‌نویسد که یک سال حج می‌کرد و یک سال غزو و یک سال تجارت و منفعت خویش بر اصحاب تفرقه می‌کرد. (عطار، ۱۹۰۵: ۱۸۴) از سوی دیگر، به نظر می‌رسد که شرکت صوفیان در غزوات متعدد، علاوه بر ریاضت نفس گامی بوده است در جهت تثبیت جایگاه اجتماعی و اثبات تبعیت آنان از شریعت اسلام که همواره از سوی مخالفان به عنوان دلیلی بر عدم حقانیت این گروه عنوان می‌شد.

۵,۱,۴ زیارت مشایخ و بزرگان نامدار وقت

برخی صوفیان سال‌های متمادی روزگار می‌گذراندند و رنج سفر بر خود هموار می‌کردند تا به دیدار شیخی خاص نائل شوند. در احوال شیخ احمد علی شعیب آمده است که هر سال یک بار برای زیارت ابوالحسن خرقانی به خرقان سفر می‌کرد (مینوی، ۱۳۷۲: ۱۲) و یا در احوال شیخ رضی الدین علی لالا غزنوی می‌خوانیم که به دنبال خوابی که دید در جستجوی شیخ نجم الدین کبری چندین سال گرد عالم سفر کرد تا اینکه سرانجام آوازه او را در خوارزم شنید و به آنجا رفت و خدمت شیخ را دریافت. (جامی، ۱۳۷۵: ۴۳۸) گاه این سفرها با اقامت طولانی مدت در کنار شیخ همراه می‌شد. مثلاً پس از وفات شیخ ابوالفضل سرخسی در حدود سال ۳۸۸ ه.ق. ابوسعید ابوالخیر برای زیارت شیخ ابوالعباس قصاب آملی راهی آمل شد و یک سال در خانقاه وی مقام کرد. (همان: ۳۰۱) گاهی نیز این سفرهای زیارتی به شکل گروهی انجام می‌شد. چنانکه در احوال احمد خضرویه بلخی آمده است که با هزار تن از مریدان خود به دیدار بایزید بسطامی رفت و بایزید او را به توقف و ترک سفر فراخواند. (قیصری، ۱۳۸۲: ۲۶۰)

۶,۱,۴ تکمیل تحصیلات و کسب علم

این قبیل سفرها بیشتر در میان صوفیان قرن‌های چهارم و پنجم به بعد رواج داشته است، یعنی دوران تثبیت مبانی علمی و عملی تصوف و تالیف آثار در این زمینه. سفر ده ساله ابوسعید ابوالخیر در سالهای جوانی به مرو و سرخس و استفاده از محضر استادانی همچون عبدالله محمدبن احمد خضری و ابوبکر عبدالله بن احمد غفال و تحصیل در فقه شافعی از بهترین نمونه‌های این سفرها محسوب می‌شود. (مایر، ۱۳۷۸: ۴۹-۵۵) علاوه بر این خواجه

«سفر» و اهداف و آداب آن در نزد صوفیان از قرن اول تا ... ۱۷۱

عبدالله انصاری، ابوالقاسم قشیری، ابوعلی فارمدی، خواجه یوسف همدانی، هجویری غزنوی و ابوالفتح بن سالبه بیضاوی نیز در زمره صوفیانی هستند که با سفر به مناطق مختلف و دیدار مشایخ بزرگ وقت و شنیدن حدیث از آنان به کمال تصوف در این دوران یاری رسانده‌اند.

۷،۱،۴ اشاعه تعالیم تصوف

گاه صوفیه پس از آنکه مراتب سلوک را به تمامی طی می‌کردند و به درجه کمال می‌رسیدند، مأموریت می‌یافتند تا برای تعلیم شخصی خاص به دیاری دیگر سفر کنند و به تربیت و تعلیم او اهتمام ورزند. از مشهورترین نمونه‌های این سفرها، می‌توان به سفر سید برهان الدین محقق ترمذی به قونیه برای تربیت مولانای جوان اشاره کرد. سفر بابا کمال جندی، از شاگردان شیخ نجم‌الدین کبری، به ترکستان برای تربیت احمد مولانا (جامی، ۱۳۷۵: ۴۳۵) نیز از جمله همین سفرهاست.

۸،۱،۴ یافتن مخاطبانی اهل و شایسته

گاه صوفیان در جستجوی مردمی که سخنان را فهم کنند ناچار به سفر و ترک دیار می‌شدند. به عنوان مثال شیخ ابوبکر واسطی را از هفتاد شهر بیرون کردند تا اینکه نهایت به مرو رسید و سخنانش مردم آنجا را قبول افتاد و عمر در آنجا گذارد. (عطار، ۱۹۰۷: ۲۶۶)

۹،۱،۴ گریز از شرایط سیاسی - اجتماعی دشوار

برخی از صوفیان قرن‌های پنجم و ششم هجری، در گیرودار بروز اختلافات فقهی و کلامی در میان صاحبان مذاهب به این معرکه وارد شدند و در نتیجه تأثیرپذیری از این اختلافات ناچار به ترک زادگاه خود گشتند. ابوالقاسم قشیری از صوفیانی است که طرفداری از اشعریان و ارسال نامه به شهرها و علما در رد منکرین اشعری منجر به زندانی شدنش در نیشابور و نهایتاً کوچ اجباری وی به بغداد گردید. (قشیری، ۱۳۸۸: ۱۵ - ۳۴) تبعید خواجه عبدالله انصاری از هرات به بلخ نیز در نتیجه همین اختلافات مذهبی بوده است. (مجتبایی، ۱۳۵۸: ۲۳ - ۲۵) گاه نیز نفوذ اجتماعی صوفیان، موجب تحریک حسادت مخالفان می‌شد و در نهایت آنان را وادار به ترک یار و دیار خود می‌گرداند. آنچنانکه در شرح احوال شیخ بهاء‌الدین ولد، پدر مولانا جلال‌الدین بلخی، آمده است. (جامی، ۱۳۷۵: ۴۶۰) در جریان حمله مغول و ویرانی و آشفته‌گی حاصل از آن، بسیاری از دانشمندان، اهل

ادب و صوفیان، برای حفظ جان خود مجبور به ترک یار و دیار می‌شدند. شیخ نجم‌الدین رازی از اصحاب شیخ نجم‌الدین کبری، از جمله صوفیانی بود که در اثر این واقعه از خوارزم بیرون آمد و به روم رفت و او را با شیخ صدرالدین قونیوی و مولانا جلال‌الدین رومی اتفاق ملاقات افتاد. (همان: ۴۳۷)

۱۰,۱,۴ آشنایی با ملت‌ها و صاحبان ادیان دیگر

گشتن در زمین، آشنایی با سرگذشت گذشتگان و تدبر در احوال آنها از جمله مواردی است که در قرآن و تعالیم اسلامی بدان سفارش شده است. یکی از اهداف صوفیان از سفر و سیر در آفاق نیز همین آشنایی با سرزمین‌ها و مردمان دیگر و کسب عبرت از احوال آنها بوده است. از جمله در سرگذشت زندگی منصور حلاج آمده است که با هدف آشنایی با مناطق خارج از دارالاسلام، از راه دریا سفر کرد و پیروان مانی در هندوستان و بودائیان ماوراءالنهر را دید. سپس از کناره رود سند به کشمیر رسید و از آنجا از گذرگاه پیچاپیچ کوهساران تا تورفان چین پیش رفت. در نتیجه همین سفرها بود که حلاج با دیدگاهی فراتر از امت محمدی به همه آدمیان نگاه کرد تا جمله را سرمست شوق یزدانی سازد. (ماسینیون، ۱۳۳۰: ۹)

۲,۴ اهداف و کارکردهای درونی

بررسی روایات و حکایات صوفیه اهداف درونی سفر را در میان آنان چنین باز می‌نماید:

۱,۲,۴ آشنایی با حقیقت وجودی انسان در جهان هستی

حقیقت وجودی انسان از منظر اهل تصوف با سفر و سیر دائمی در احوال و مراتب گوناگون آمیخته است. صوفیان آفرینش انسان را به نوعی سفر از عالم عدم به عالم وجود تشبیه می‌کنند. از نظر آنان تکامل جسمانی انسان و گذر از دورانهای مختلف عمر نظیر کودکی، جوانی، کهنسالی و مرگ و ورود به جهان دیگر منازل سفر آدمی اند. بر این اساس، سیاحت در جهان، تلنگری بر روح و جان سالک است که مسافر بودن او را در این دنیا به وی گوشزد می‌کند و او را به کوشش برای فراهم ساختن توشه‌ای برای سفر به عالم معنا برمی‌انگیزد. (عبادی، ۱۳۴۷: ۲۴۹)

«سفر» و اهداف و آداب آن در نزد صوفیان از قرن اول تا ... ۱۷۳

۲,۲,۴ آشنایی با نقاط قوت و ضعف خویش

سفر با دشواری‌ها و ویژگی‌های خاص خود به خصوص در گذشته که بشر از ساده‌ترین و ابتدایی‌ترین امکانات امروزی محروم بود، بهترین بستر را برای شناخت نفس و کشف نقاط قوت و ضعف آن در نزد صوفیان فراهم می‌کرد. اشارت قدما به حدیث «السفر قطعة من العذاب: سفر بخشی از عذاب است.» گواه این دشواری است.

و سفر را بدین سبب سفر می‌خوانند که پوشیده‌ها را کشف کند و سفر برهنه کردن روی را گویند... نفس چون در وطن خود باشد و اسباب آسایش او ممهّد بود، خبایث وی ظاهر نشود؛ زیرا که به آنچه موافق طبع اوست از مألوفات معتاد انس گرفته باشد... (غزالی، ۱۳۶۴: ۵۳۵)

۳,۲,۴ ریاضت و تربیت نفس

آشنایی با نفس و نقاط قوت و ضعف آن در نهایت به هدفی والاتر که همان تهذیب و تزکیه نفس است منجر می‌شود. مبارزه با خواهش‌های نفسانی همواره از وظایف اصلی صوفیان محسوب می‌شد به طوری که از ابوالحسین نوری نقل است که در تعریف «تصوف» گفت: «به جای بگذاشتن همه بهره‌های نفس.» (مستملی بخاری، ۱۳۳۳: ۱۶۹) به اعتقاد صوفیان نفس سالک در کوره ریاضات سفر از آلودگی‌ها و ناپاکی‌ها دور و در برابر فرمان حق مطیع و فرمان‌بردار می‌گردد:

سفر کردن از بهر ریاضت نفس است تا نفس را ریاضت افتد هر چند نفس مالیده‌تر، سر با حق راست‌تر ... نفس را ریاضت با این معنی افتد که چون در سفر باشند از وطن و دوستان و اهل، غریب باشند همه بار بر او نهند و هیچ بار او نکشند... خواب به وقت نباشد و خوردن به مراد نباشد و شهوت‌ها و نهمت‌ها و آرزوها از او منقطع گردد و به این سبب نفس در ریاضت افتد. (همان: ۱۱۷۷-۱۱۷۹)

به این ترتیب نفس زیاده‌خواه و راحت طلب سالک تربیت و ذلیل می‌شود و امکان سرکشی و طغیان در برابر روح الهی از او سلب می‌گردد. همچون کودک خردسال که هرچه او را از آرزوها منع کنی راست‌تر گردد و اگر یک مراد او را بدهی باز جوید و بدخوتر شود. (همان: ۱۶۲)

۳,۲,۴ توبه و بیداری

توبه نخستین مرحله از مراحل سفر روحانی سالک است و اولین مقامات محسوب می‌شود که در بسیاری موارد با سفر جسمانی نیز همراه بوده است. در سرگذشت بسیاری از صوفیان از جمله ابراهیم ادهم، ابو عبدالله تروغبدی، ابونصر هروری خانججه بادی، خواجه احمد چشتی، شیخ احمد جام و ... آمده است که پس از بیداری از خواب غفلت، با ترک خانه و زادگاه خویش به پرسه در بیابان و کوه‌ها پرداخته‌اند و آثار گناه را از روح و جان خود شسته‌اند. مشایخ و پیران طریقت، گاه مریدانی را که ترک ادبی از آنان سر زده بود جهت تنبیه و توبیخ به سفر می‌فرستادند و در واقع دشواری‌های سفر را به عنوان ابزاری برای تنبیه این سالکان جوان و سرمست از غرور به کار می‌بردند. سفر احمد نصر، از شاگردان شیخ ابوالحسن حصری، به روم و یک سال خوبانی کردن در آنجا از نمونه همین سفرهاست. (عطار، ۱۳۹۰: ۶۶۰-۶۶۱) گاه نیز سالکان و صوفیان به دنبال غلبه احساس شرم و گناه ناشی از یک اندیشه یا کار خطا داوطلبانه به چنین سفرهایی می‌رفتند. چنانکه در احوال بایزید بسطامی آمده است که به دنبال وارد شدن اندیشه‌ای خودپسندانه، برخاست و به طریق خراسان شد و سه شبانه روز در منزلی مقام کرد. روز چهارم مردی اعور را دید، سوار بر جمازه‌ای که به او هشدار داد تا دل نگه دارد. (همان: ۱۴۴-۱۴۵)

۴،۲،۴ تمرین توکل

صوفیان، عمدتاً بیابان‌ها و وادی‌های بی آب و علف را برای این قبیل سفرها انتخاب می‌کردند تا نفس را در سخت‌ترین شرایط به قطع اعتماد از غیر و اعتماد به خدای تعالی وادارند. به طور کلی میان مفهوم «سفر» و «توکل» همواره ارتباط تنگاتنگی وجود داشته است. سالک در جریان سفر، خود را به تمامی به حق تعالی واگذار می‌کرد تا آنگونه که می‌خواهد او را اداره نماید و به هرکجا که می‌خواهد ببرد. عدم انتخاب مکانی خاص به عنوان مقصد نیز ریشه در همین دیدگاه دارد. اعتماد بر روزی‌رسانی حق تعالی از دیگر اصول چنین سفرهایی است. او بنده خود را تا آنجا که مصلحت بداند در گرما و سرما، محافظت خواهد کرد و در وقت ضرورت روزی او را خواهد رساند:

روایت است که مردی بر بادیه شد بی زاد و آب. چندین روز برآمد و گرسنگی و تشنگی بر وی غالب شد. با خود گفت: «آن کس که من توکل بر وی کرده‌ام مرا ضایع نگذارد.» خواب بر وی غالب شد چون بیدار شد از خارهای مغیلان قطره‌های آب دید

«سفر» و اهداف و آداب آن در نزد صوفیان از قرن اول تا ... ۱۷۵

چکان. هاتفی در سرش آواز داد: «من توکل عَلینا فی الخَلواتِ رَزَقناه مِنْ فَضْلِنا فی الفَلواتِ». (ناشناخته، ۱۳۸۹: ۱۰۵)

به این ترتیب تجرید و سفر بدون اسباب، از رایج‌ترین راه‌های تمرین توکل در میان صوفیه محسوب می‌شد. صوفیان به خصوص در قرن‌های اولیه، برای انجام چنین سفرهایی هیچ توشه و ابزاری را با خود همراه نمی‌بردند تا مبادا بر توکل آنان خللی وارد شود. گفتنی است این دسته از سفرها به خصوص در قرن‌های دوم و سوم هجری بسیار رایج بوده است و در خلال روایات مربوط به صوفیه دوران متأخرتر کمتر مشاهده می‌شود. شاید این مسأله ناشی از تفاوت دیدگاه صوفیان این دوران با دوران پیش از خود باشد. بدین معنی که صوفیان از قرن چهارم به بعد لزوماً سفر ظاهری را بهترین وسیله برای تمرین توکل به شمار نمی‌آوردند و تلاش می‌کردند توکل را در روح و جان خود نهادینه کنند.

۵,۲,۴ رهایی از شهرت و غرور

اقامت دائمی در یک مکان، موجب شناخته شدن و کسب نام و آوازه در میان مردم می‌گردد و احساس غرور و عجب از تبعات ثانویه آن است. بر این اساس یکی از خطرناک‌ترین موانع در راه تکامل نفسانی انسان به شمار می‌رود.

در وطن بودن مردم را عزّ باز آرد و گفتیم که ایشان از عزّ گریزانند. و نیز مردم را با وطن الف باشد، و این طایفه را جز با حق تعالی الف نبود. و نیز بر وطن اعتماد افتد و هر که را بر چیزی به جز حق اعتماد افتد، به همان مقدار توکل او را نقصان آرد. (همان: ۱۲۸)

ابن عربی در این مورد نیز تفسیری منحصر به فرد و عارفانه دارد. وی با استناد به آیه یازده سوره شوری: «لیس کمثله شیء» معتقد است که نفس انسان پس از توبه و تمایل به سمت حق، بر مرتبه «نفی مثلث» آگاهی می‌یابد و در چنین شرایطی از اینکه وی را مثلی باشد، غیرت می‌ورزد، چنانکه حق تعالی نیز از آنکه کسی جز او الوهیت را به خود منسوب دارد غیرت می‌ورزد. از این رو از مخلوقات وحشت می‌کند و طالب انفراد به ذات خود می‌گردد تا برایش انسی جز این باقی نماند و برای خویش مثلی نبیند، پس به محل‌های دور می‌گریزد تا از دیدن امثال خود رها شود و سر به کوه و بیابان می‌گذارد. (ابن عربی، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۲۲)

۵. آداب صوفیه در سفر (سیر آفاق)

مطالعه آثار مهم صوفیه تا قرن نهم هجری نشان می‌دهد که آداب خاصی در میان صوفیه برای سفر رعایت می‌شده است. هر کدام از این آداب بر اساس حکمتی خاص شکل می‌گرفت و کارکرد خاص خود را داشت. در این بخش به مهمترین آداب سفر در میان صوفیه می‌پردازیم:

۱,۵ کسب اجازه و رضایت پدر و مادر

صوفیان حفظ حرمت والدین را منشاء برکات بسیار می‌دانستند و معتقد بودند که در صورت نارضایتی پدر و مادر، برکت از سفر خواهد رفت. (باخرزی، ۱۳۵۸: ۱۵۹)

۲,۵ حفظ حرمت شیخ و کسب اجازه از او

صوفی پیش از اقدام به هر کاری از جمله سفر موظف به کسب تکلیف و اجازه از شیخ خود می‌باشد. (قشیری، ۱۳۸۸: ۷۳۹)

۳,۵ وداع با دوستان و یاران و مشایعت مسافر (همان ۱۶۰)

۴,۵ آغاز سفر در بامداد روز دوشنبه یا پنجشنبه به تبعیت از سنت رسول (ص):
در این مورد روایات مختلفی وجود دارد. باخرزی با تأکید بر روز پنجشنبه، روز دوشنبه را نیز بر اساس روایات، قابل قبول می‌داند. (همان: ۱۶۲-۱۶۳)

۵,۵ ادای نماز پیش از آغاز سفر و به هنگام ترک هر منزل

علاوه بر نمازهای واجب، ادای نمازهای مستحبی نیز در هنگام سفر به صوفیان توصیه شده است. یکی از این مستحبات، نماز استخارت است که خواندن آن پیش از سفر در اکثر کتب صوفیه سفارش شده است و دیگری نمازی است چهار رکعتی که پیش از خروج از شهر به تبعیت از سنت پیامبر اکرم (ص) خوانده می‌شود. (غزالی، ۱۳۶۱: ۳۶۲)

۶,۵ ادای کامل و به موقع واجبات شرعی

صوفیان حتی در هنگام سفر نیز مجاز به سهل‌انگاری در انجام فرائض نبودند و حتی در مواردی که برای عامه مسلمانان تخفیف‌هایی در نظر گرفته شده است نیز، خود را موظف به ادای کامل فرائض می‌دانستند. در کتاب‌های اللمع (سراج طوسی، ۱۳۸۲: ۲۱۱)، رساله قشیریه (قشیری، ۱۳۸۸: ۴۹۴) و اورادالجاباب (باخرزی، ۱۳۵۸: ۱۵۹) که از مهم‌ترین منابع تصوف به شمار می‌روند، به رعایت این اصل توصیه شده است.

۷,۵ عبادت و ذکر در طول سفر

پیشتر به تفسیر ابن عربی در مورد سیاحت دائمی صوفیان اشاره کردیم و اینکه از دید او، مهمترین هدف صوفیان از سیر آفاق، طنین انداز گشتن نام و یاد خداوند در سرزمین‌هایی است که از ذکر او خالی هستند. بررسی آداب سفر در میان صوفیه، این دیدگاه ابن عربی را تأیید می‌کند چرا که در تمامی آثار تألیفی متصوفه که به سفر و شرح آداب آن پرداخته شده است، تداوم ذکر از مهمترین آداب سفر شمرده شده است. بر این اساس در کتب صوفیه برای تک تک مراحل سفر مانند خروج از شهر، نشستن بر ستور، وداع، ورود به خانقاه ... ذکرهای خاص تعیین و سفارش شده است. (غزالی، ۱۳۶۴: ۵۵۵)

۸,۵ حفظ طهارت

از آنجا که مرگ همواره در کمین انسان است و صوفیه نیز از این قاعده مستثنی نیستند، با حفظ طهارت و وضو، در همه حال خود را برای دیدار معبود آماده نگاه می‌داشتند. از سوی دیگر از آنجا که صوفی در سفر، در حضر است، باید به حفظ این سنت در جریان سفر نیز بکوشد. بر این اساس به همراه داشتن ابزار لازم برای طهارت همچون کوزه و یا رکوه در تمام کتب صوفیه سفارش شده است. (همان: ۱۶۰)

۹,۵ ترجیح سفرهای جمعی

غزالی در احیاء علوم الدین دومین ادب از آداب سفر را گزینش رفیق می‌داند و سفر در گروه‌های سه نفری را توصیه می‌کند. (غزالی، ۱۳۶۴: ۵۴۷ - ۵۴۸) حضور دسته‌جمعی صوفیان در اجتماعات و سفرها، از همان آغاز تصوف مرسوم بوده است اما در میان روایات

موجود از دوران مختلف، بیشترین نمونه‌های این تشکلهای و سفرهای دسته‌جمعی در میان صوفیه قرن‌های سوم و چهارم قابل مشاهده است. در این دوران بر گرد مشایخی که از اعتبار بیشتری برخوردار بودند و یا آنهایی که بر حوزه وسیعی تسلط داشتند، صوفیه دیگری جمع می‌شدند و آنها را در سفرها نیز همراهی می‌کردند، ولی دلایل دیگری که گروه‌های همسفر را به هم می‌پیوست گویا این بود که با استفاده از این موقعیت ناچار نمی‌شدند راهها را به تنهایی طی کنند. سفر گروهی ابوتراب نخشی با سیصد رکوه‌دار (عطار، ۱۳۹۰: ۹۰-۹۱) و سفر منصور حلاج به مکه با همراهی چهارصد تن (همان: ۵۱۲-۵۱۳) از نمونه‌های این سفرهای دسته‌جمعی هستند. با این حال برخی مؤلفان، ارجحیت سفر گروهی را مربوط به عوام می‌دانند و صوفیان را از این قاعده مستثنی می‌کنند. چنانکه در اوراد الاحباب، تنها سفر کردن، برای صوفیان مجاز شمرده شده است. (باخرزی، ۱۳۵۸: ۱۶۲) ابوحفص سهروردی نیز صوفیان پاکرو و عالم به نفس را از تنها سفر کردن منع نمی‌کند و سفر دسته‌جمعی را مستحب می‌داند. (سهروردی، ۱۳۶۴: ۶۶) با نگاهی کلی به روایات صوفیه می‌توان دریافت که سفرهای گروهی و دسته‌جمعی در مقایسه با سفرهای انفرادی، به خصوص در مواردی که هدف، تمرین توکل، تجرید و توبه بوده، کمتر رواج داشته و این قبیل سفرها عموماً به تنهایی صورت می‌گرفته است تا با دوری از خلق، صوفی زمان بیشتری برای پرداختن به شناخت خود و حق داشته باشد.

۱۰,۵ انتخاب امیری از میان همسفران. (همان: ۶۶-۶۷) و (قشیری، ۱۳۸۰: ۴۹۲)

۱۱,۵ حسن خلق و موافقت رفیقان

حسن خلق و محبت و شفقت نسبت به دیگران یکی از اصول مهم تصوف به شمار می‌رود: «تصوف خلق و خوست. هرکس بر خویت بیفزاید بر تصوف افزوده است.» (ابن عربی، ۱۳۸۱: ۱۷) اما اهمیت این مسأله در سفر چند برابر می‌شود. چرا که حضور در شرایط دشوار، همدردی و همکاری بیشتری را طلب می‌کند و نیاز انسان‌ها را به همونوع می‌افزاید.

۱۱,۵ رفیق و مدارا با ستور

«سفر» و اهداف و آداب آن در نزد صوفیان از قرن اول تا ... ۱۷۹

بار سبک نهادن، چوب نزدن بر سر و روی و یک ساعت پیاده‌روی در هر بامداد و شامگاه، از نمونه‌های رعایت شفقت نسبت به ستوران است که به صوفیان مسافر توصیه شده است. (غزالی، ۱۳۶۴: ۵۵۳) با این حال پیاده طی کردن مسیر، از سفر با مرکب برتر و بهتر دانسته شده است. (باخرزی، ۱۳۵۸: ۱۵۹)

۶. صوفیان مسافر و اهداف آنها از قرن اول تا نهم

در این بخش تلاش می‌کنیم آن دسته از صوفیانی است که حداقل در دوره‌ای از زندگی و یا در تمام عمر به سفر و سیر آفاق پرداخته‌اند و در تذکره‌ها نیز از آنان با عنوان طیار، مسافر، سیاح و ... یاد شده است معرفی کنیم. بدون شک با توجه به اهمیت سیر آفاق در دیدگاه اهل تصوف، تعداد زیادی از عرفا و صوفیان نیز هستند که به دلیل کمتر شناخته شده بودن، در تذکره‌ها و کتب تصوف از آنان یاد نشده است. به هر روی با در نظر گرفتن همین فهرست موجود می‌توان نکات زیر را در مورد دوره‌های زمانی مختلف دریافت:

۱,۶ صوفیان مسافر و اهداف آنها در قرن دوم و سوم

در قرن دوم هجری که مصادف با نخستین سال‌های پیدایی تصوف است، نمونه‌های سفر و سیر آفاق هم در میان صوفیة ایران و هم در میان صوفیة منطقه عراق و جزیره دیده می‌شود. با این حال صوفیة ایران سهم مهم‌تر و جدی‌تری را به خود اختصاص می‌دهند. این گرایش زیاد صوفیان ایرانی به سفر و تلفیق سیر آفاق و انفس، می‌تواند ریشه در سنت‌های بودایی رایج در شرق ایران داشته باشد که با ورود اسلام، رنگ و بوی اسلامی به خود گرفته است. در قرن سوم تعداد روایات مربوط به سیر آفاق، در مقایسه با قرن دوم بسیار بیشتر و چشمگیرتر است و بر این مبنا می‌توان نتیجه گرفت که سیر آفاق در این دوران به طور کلی رواج بیشتری نیز داشته است. هر چند که همچنان صوفیان ایرانی پیشتاز این جریان هستند. توبه، ترک تعلقات دنیوی، تمرین توکل، حج، غزو و زیارت مشایخ بزرگ وقت، از عمده‌ترین و مهم‌ترین دلایل و انگیزه‌هایی بودند که صوفیان قرن‌های دوم و سوم را به سفر و سیر آفاق برمی‌انگیخت.

صوفیان مسافر این دو قرن در تذکره‌ها و کتب تصوف عبارتند از: ابراهیم ادهم بلخی، شقیق بلخی، عبدالله بن مبارک مروزی، مالک دینار، رابعه عدویه، ابوالولید احمد بن ابی

الرجاء، ابو عبدالله نصیبی، ذوالنون مصری، ابوتراب نخشبی، شبلی، بایزید بسطامی، احمد خضرویه بلخی، یوسف بن حسین رازی، ابراهیم خواص، ابو عثمان حیری، رویم بغدادی، ابومحمد مرتعش، عبدالله مغربی ابو حمزه بغدادی، علی بن موفق بغدادی، ابو حمزه خراسانی، ابوسعید خراز، ابوشعیب مقنع مصری، احمد مسوحی، ابوالخیر حمصی

۲،۶ صوفیان مسافر و اهداف آنها در قرن چهارم و پنجم

در میان روایات مربوط به سفر یا سیر آفاق در قرن‌های چهارم و پنجم هجری، صوفیان ایرانی به خصوص در منطقه خراسان، باز هم سهم عمده و مهم‌تری را به خود اختصاص می‌دهند. قرن‌های چهارم و پنجم دوران شکوفایی تصوف ایران محسوب می‌شود. در این دوران رونق دستگاه تصوف عراق و جزیره به پایان می‌رسد و دوران طلایی تصوف ایران به خصوص در منطقه خراسان و ماوراءالنهر آغاز می‌گردد. نگاهی به روایات مربوط به سیر آفاق در این دوران نیز این نظریه را قوت می‌بخشد. با نگاهی اجمالی به نام بزرگانی که روایات و سخنانشان نقل شد؛ می‌بینیم که بخش عمده آنان را صوفیان ایرانی به خصوص در منطقه خراسان و ماوراءالنهر تشکیل می‌دهند. ابوسعید ابوالخیر، ابوالحسن خرقانی، ابوعلی دقاق، ابوالعباس قصاب، ابوالحسن پوشنگی و ابوعبدالرحمن سلمی همگی از صوفیان منطقه خراسان و ماوراءالنهرند که به سیر و سیاحت حداقل در ابتدای ارادت خود پرداخته‌اند. صوفیان این دوران عمدتاً با هدف کسب علم، تکمیل تحصیلات و یافتن پیر و مرشدی کامل به سفر و سیر آفاق می‌پرداختند که این مسأله را می‌توان نتیجه طبیعی رشد و کمال تصوف در این دوران به شمار آورد. از سوی دیگر در میان سخنان منقول از صوفیة این دوران آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند، مطرح شدن دیدگاهی متفاوت نسبت به سیر آفاق است. به این ترتیب که با عمیق‌تر شدن ریشه‌های تصوف و آمیختگی آن با عقاید جدید حاصل از برخورد با تمدن‌های دیگر، تصوف به عنوان راهی برای رسیدن به خدا و دور از شدن از خصایص بشری مطرح می‌شود. در نتیجه خود به عنوان نوعی سفر مطرح می‌گردد. سفری روحانی که با قدم همت و توشه توکل انجام می‌گیرد. با مطرح شدن چنین دیدگاهی، سیر آفاق و سفر ظاهری نیز جنبه‌ای متفاوت به خود می‌گیرد و صوفیه در ضرورت آن دچار تردید می‌شوند. از این رو در میان اقوال صوفیة این قرن در مواردی بسیار زیاد سیر نفسانی و سفر روحانی از سیر آفاق برتر دانسته شده است.

صوفیان مسافر قرن‌های چهارم و پنجم عبارتند از: ابوسعید ابوالخیر، حسین بن منصور حلاج، شیخ ابوالعباس قصاب آملی، ابوبکر رازی، شیخ ابواسحاق کازرونی، ابوالقاسم نصرآبادی، ابوزرعه اردبیلی، شیخ ابوعبدالله خفیف، ابوعلی دقاق نیشابوری، ابوعبدالرحمن سلمی نیشابوری، ابوالحسن بوشنجی، ابونصر سراج طوسی، ابوعثمان مغربی، ابوالخیر اقطع تیناتی، ابوالخیر حبشی، خواجه عبدالله انصاری، محمد غزالی، احمد غزالی، ابونصر خانجه بادی، ابوالقاسم قشیری، خواجه احمد حماد سرخسی، ابوعلی فارمدی، ابوالحسن هجویری غزنوی، ابوالفتح بیضاوی

۳,۶ صوفیان مسافر و اهداف آنها در قرن ششم و هفتم

سفر به قصد کسب علم و استفاده از محضر استادان بزرگ تصوف در قرن‌های ششم و هفتم نیز ادامه پیدا می‌کند و سهم صوفیان ایرانی همچنان بیشتر از صوفیان دیگر مناطق است. در این دوران همچون دوران گذشته سفر ابزاری است برای توبه و ترک گناهان پیشین و فرصتی برای تفکر و عزلت از خلق و ریاضت و مجاهدت. از سوی دیگر در این دوران به دلیل اوج‌گیری اختلافات مذهبی و شرایط دشوار اجتماعی و سیاسی به خصوص حمله مغول، عده بسیاری از صوفیان ایرانی مجبور به سفر و ترک وطن می‌گردند. این سفرهای اجباری در نهایت منجر به صدور تصوف ایرانی به خارج از مرزهای ایران و کشورهای همسایه به خصوص در هند و پاکستان و آسیای صغیر شد. بزرگانی همچون بهاء ولد، سید برهان‌الدین محقق ترمذی، جلال‌الدین محمد بن بهاء الدین محمد مشهور به مولوی و نجم‌الدین رازی از جمله عارفانی بودند که در این دوران با مهاجرت به بلاد روم و آسیای صغیر زمینه حفظ مبانی تصوف و گسترش آن را در میان آیندگان فراهم ساختند.

صوفیان مسافر قرن‌های ششم و هفتم در تذکره‌ها عبارتند از: سنایی غزنوی، شیخ حامد جام، خواجه یوسف همدانی، روزبهان بقلی، شیخ اشراق، خواجه معین‌الدین چشتی، شیخ نجم‌الدین کبری، مولانا جلال‌الدین بلخی، شمس‌الدین ملک‌داد تبریزی، شیخ رضی‌الدین علی لالای غزنوی، شیخ نجیب‌الدین بزغش شیرازی، شیخ زکریای مولتانی، ابن فارض حموی، عزیزالدین نسفی

۴,۶ صوفیان مسافر و اهداف آنها در قرن هشتم و نهم

سیر آفاق و سفر صوفیان در قرن‌های هشتم و نهم نیز با هدف خلوت، توبه، تفکر، دیدار مشایخ وقت و کسب علم ادامه می‌یابد هرچند که در این دوران سیر آفاق نیز همچون دیگر جنبه‌های تصوف، آهسته آهسته عمق معنایی خود را از دست می‌دهد و به سمت تظاهر حرکت می‌کند. صرفنظر از صوفیان حقیقی، عده زیادی از صوفی‌نمایان در این دوره با پرسه زدن در میان شهرها و تظاهر به فقر و درویشی، سفر را وسیله‌ای برای گدایی و تأمین خواسته‌های پست و دنیوی خود قرار دادند. به طور کلی نکته مهم در مورد تصوف قرن‌های هشتم و نهم، «سطحی» بودن آن است. یعنی علیرغم رواج و توسعه روزافزون آن در میان مردم، بسیاری از مشایخی که کوس بزرگی می‌نواختند به واقع، مردمی میانه‌حال و گاه بسیار متوسط بودند که لباس تصوف را وسیله‌ای برای دست‌یابی به خواسته‌های دنیوی خود قرار می‌دادند. این سطحی‌نگری که بدون شک تنها به تصوف اختصاص نداشت و در همه جنبه‌های فکری دوران مورد بحث مشاهده می‌شد، نتیجه مستقیم جهالت و ظاهرپرستی قوم حاکم بود. قومی که تظاهر به اجرای احکام شرع را تنها وسیله استمرار حاکمیت نامشروع خود می‌دانستند.

در تذکره‌ها و کتب تصوف از شیخ محمود شبستری، سید علی همدانی، ابوالمفاخر باخرزی و شاه نعمت‌الله ولی به عنوان صوفیان مسافر این دو قرن نام برده شده است.

۷. ماجراهای سفر صوفیان

در میان روایات به جا مانده از صوفیان نامبرده در بخش پیشین، ماجراهای جالب و شگفت‌انگیزی به چشم می‌خورد که ذکر آنها می‌تواند، ما را با حاصل این سفرها و روایت صوفیان از آن آشنا سازد.

۱,۷ دیدار با خضر

در مورد شخصیت خضر، نام و نسب او، زمان زندگی، وجه تسمیه و حتی پیامبر بودن و یا نبودنش روایات مختلفی وجود دارد. اما آنچه مسلم است، خضر در متون عرفانی نقش ولایت و راهنمایی عارفان را بر عهده دارد. در تاریخ بلعمی، با اشاره به پیامبر بودن خضر، وی به عنوان موکل و یاری‌گر مسافران دریا معرفی شده است و برادر وی الیاس موکل مسافران بیابان‌ها و خشکی. (بلعمی، ۱۳۷۸: ۳۲۶) اما این تفکیک نقش در دوره‌های بعدی از

«سفر» و اهداف و آداب آن در نزد صوفیان از قرن اول تا ... ۱۸۳

میان رفته و خضر کم‌کم جای الیاس را در متون عرفانی به خود اختصاص می‌دهد. در متون عرفانی ابراهیم ادهم اولین عارفی است که از دیدارش با خضر سخن به میان آمده است. (مستملی بنخاری، ۱۳۶۳: ۲۰۲) و صاحب کشف المحجوب، او را مرید خضر می‌داند. (هجویری، ۱۳۸۹: ۱۵۸) پس از آن در قرن سوم این ادعا توسط ابراهیم خواص مطرح می‌شود. (عطار، ۱۳۹۰: ۵۲۳) در شرح احوال شیخ ابوالعباس قصاب آملی (هجویری، ۱۳۸۹: ۷۷۳)، از مشایخ آمل و طبرستان در قرن چهارم آمده است که از مدینه به بیت المقدس رفت و به دیدار خضر (ع) نائل شد. (جامی، ۱۳۷۵: ۲۹۴) چنان که آوردیم ابونصرین ابی جعفرین ابی اسحق هروی خانجه بادی نیز که در ابتدا فقیه و مفتی بود، پس از توبه، سفر و سیاحت در پیش گرفت، سیصد پیر را خدمت کرد و صحبت خضر دریافت. (همان: ۳۵۹)

به هر حال آنچه مسلم است تأکید صوفیان بر دیدار با خضر و ارتباط با او، یکی از نمودهای جایگاه پیر در تصوف و نگاه صوفیانه است که طی طریق در این مسیر را به تنهایی و بدون بهره‌مندی از رهنمودهای یک شیخ کامل و پیر واصل مجاز نمی‌دانستند.

۲,۷ برخورد با حیوانات

در بسیاری از روایات به جا مانده از سفرهای صوفیان، حیوانات به نوعی یاریگر آنان در شرایط سخت هستند و گاه حتی نقش منجی را ایفا می‌کنند. رودرویی ابوسعید خراز با سگان درنده و نجات یافتنش به وسیله سگی سپید در میان آنها (عطار، ۱۳۹۰: ۴۰۱)، نجات یافتن ابوحمزه خراسانی از چاه به وسیله یک شیر (همان: ۴۸۲-۴۸۳) و یاری رساندن ماهیان دریا به ذوالنون مصری برای رهایی از اتهام دزدی (همان: ۱۲۰) از این نمونه محسوب می‌شوند. بدون شک نگرش خاص صوفیه نسبت به حیوانات در به وجود آمدن چنین ارتباطی بی تأثیر نبوده است. در نگاه صوفیانه، انسان به خودی خود برتری ذاتی نسبت به حیوانات ندارد، مگر اینکه با ترک عصیان، این برتری را در خود ایجاد کرده باشد. از سوی دیگر صوفیان با حیوانات به عنوان بخشی از جهان هستی و طبیعت مصنوع خداوند انس و الفت دارند. رابطه محبت‌آمیز میان صوفیان و خداوند، به تمامی مظاهر صنع او نیز تسری می‌یابد و او را از اذیت و آزار مخلوقات خداوند بازمی‌دارد. بر این اساس نوعی رابطه خاص میان صوفیه به خصوص صوفیان سیاح، با حیوانات به دلیل حضور مداوم در بادیه برقرار بوده است.

۳,۷ مشاهده خرق عادات و کرامات

در میان ماجراهای سفر صوفیه، نمونه‌های قابل توجهی از مواجهه با کرامات و خرق عادات اولیا دیده می‌شود. چنانکه در تذکره الاولیا در شرح احوال منصور حلاج آمده است:

روایت است که با چهارصد صوفی روی به بادیه نهاد. چون روزی چند برآمد چیزی نیافتند. حسین را گفتند: «ما را سر بریان می‌باید» گفت: «بنشینید.» پس دست از پس می‌کرد و سری بریان با دو قرص به هر یکی می‌داد. چهارصد سر بریان و هشتصد قرص بداد. بعد از آن گفتند: «ما را رطب می‌باید.» برخاست و گفت: «ما را بیفشانید» بیفشاندند. رطب تر از وی می‌بارید تا سیر بخوردند. پس در راه هر جا که پشت به خاری باز نهادی رطب بار آوردی. (عطارد، ۱۳۹۰: ۵۱۲-۵۱۳)

مشابه همین روایت در مورد ابوتراب نخشبی (قشیری، ۱۳۸۸: ۶۴۹) و ذوالنون مصری (ناشناخته، ۱۳۸۹: ۲۳۳) نیز دیده می‌شود. طی الارض ابوجعفر دامغانی نیز از دیگر نمونه‌های خرق عادات صوفیان سیاح است. بنا به گفته جامی، وی مسیر میان مدینه تا مکه را یک شبه زیر پا می‌گذاشته است. (جامی، ۱۳۷۵: ۱۷۶)

۴,۷ برخورداری از امدادهای غیبی

این امدادها گاه به وسیله حیوانات، گاه به وسیله فرشتگان، گاه به وسیله خضر، گاه توسط اشخاص ناشناس و در برخی موارد نیز به وسیله عناصر طبیعت بروز می‌یافتند. به عنوان نمونه در شرح احوال ابوالقاسم نصرآبادی آمده است که وقتی در بیابان به ضعف و ناتوانی مبتلا شد و دست از جان کشید با دیدن آیه‌ای از قرآن بر روی ماه توان مضاعفی یافت و به سیر خود ادامه داد. (عطارد، ۱۳۹۰: ۶۸۶) در شرح احوال احنف همدانی، از صوفیان قرن‌های چهارم و پنجم، نیز آمده است که اعرابی‌ای در بیابان او را در حال درماندگی و استغاثه به درگاه خداوند یافت و شتری به او سپرد، سپس او را به رفتن به خانه خدا امر کرد. (قشیری، ۱۳۸۸: ۴۸۹)

۵,۷ عبرت آموزی از سخن و رفتار افراد گمنام

گاه در جریان سفر، صوفی با افرادی بی نام و نشان برخورد می‌کرد که با رفتار و گفتارشان، تلنگری بر روح و جان او وارد می‌کردند و او را از خواب غفلت بیدار می‌ساختند. در

«سفر» و اهداف و آداب آن در نزد صوفیان از قرن اول تا ... ۱۸۵

نفحات الانس جامی از صوفی‌ای به نام ابوجعفر مجذوم، از اقران ابوالعباس عطا در قرن چهارم، نام برده شده که به بیماری جذام و بلایی عظیم گرفتار است اما به فضل خداوند وادی‌ها و منازل مکه را به سرعت و بدون دغدغه طی می‌کند تا جایی که از همسفر دیگر خود، ابوالحسین دراج، که در نهایت صحت و سلامت جسم به سر می‌برد و به وی به چشم حقارت و انزجار می‌نگرد؛ زودتر به مقصد می‌رسد. ابوالحسین دراج که در ابتدا درخواست همراهی مجذوم را رد کرده بود با پی بردن به مقام والای او به دست و پایش می‌افتد و توبه می‌کند. (جامی، ۱۳۷۵: ۱۷۶).

۶,۷ گرفتاری و اسارت

گاه صوفیان در جریان سفر به شکل ناشناس، توسط افراد سودجو و فرصت طلب به بردگی و بیگاری گرفته می‌شدند. چنانکه در شرح احوال خیر نساج (م: ۳۲۲) از مشایخ بغداد و از معاصران شبلی و جنید، آمده است:

از مولودگاه خود به سامره رفت به عزم حج. گذرش به کوفه بود. چون به دروازه کوفه رسید مرقعی پاره پاره پوشیده بود و او خود سیاه‌رنگ بود. چنانکه هر که او را دیدی گفتی این مرد ابلهی می‌نماید. یکی او را بدید. گفت: روزی چند او را در کار کشم. پیش او رفت و گفت: تو بنده‌ای؟ گفت: آری. گفت: از خداوند گریخته‌ای؟ گفت: آری. گفت: تو را نگاه دارم تا به خداوند سپارم. او گفت: من خود این می‌طلبم... پس آن مرد خیر را نساجی آموخت و سالها کار آن مرد کرد و هر گاه که گفتم خیر. او گفتی: لبیک. تا آنگاه که آن مرد پشیمان شد که صدق و ادب و فراست او می‌دید. گفت: من غلط کرده بودم تو بنده من نیستی برو هر جا که خواهی. پس او برفت به مکه شد تا بدان درجه رسید که جنید گفت: الخیر خیرنا. (عطار، ۱۳۹۰: ۱۱۱-۱۱۲)

۷,۷ مواجهه با دزدان و حرامیان

یکی از مخاطرات اجتناب‌ناپذیر سفر در زمان‌های قدیم، مواجهه با دزدان و حرامیان در بیابان‌ها و راه‌ها بوده است که صوفیان سیاح نیز طبیعتاً از آن در امان نبوده‌اند. چنانکه عطار در شرح احوال ابن عطا آورده است که ده پسر او در جریان سفری به دست دزدان، گردن زده شدند. (عطار، ۱۳۹۰: ۴۲۵-۴۲۶)

۸,۷ همراهی با ترسایان

در متون عرفانی، نمونه‌های زیادی از درخواست همراهی ترسایان با صوفیان مسلمان در جریان سفر گزارش شده است. این درخواست‌ها معمولاً به قصد محک زدن صوفیان و حقانیت دین اسلام صورت می‌گرفته است که در نهایت، صوفیان با اثبات حقانیت خویش، ترسایان را تحت تأثیر قرار می‌دادند و در مواردی نیز ترسایان به دین اسلام گرایش پیدا می‌کردند. حتی در برخی موارد ترسایان با اقامت در خانقاه‌های صوفیه به شکل ناشناس آنان را مورد آزمایش قرار می‌دادند. در تذکره الاولیا داستان اقامت ترسایی در خانقاه ابوالعباس قصاب آمده است که در نهایت به مسلمان شدن ترسا می‌انجامد. (عطار، ۱۳۹۰: ۶۹۴) گاهی نیز صوفیان با شنیدن اوصاف راهبان مسیحی، برای آگاهی یافتن از حقیقت حال آنان، به ملاقات آنان می‌رفتند. به هر روی آنچه مسلم است مرآوده با صاحبان ادیان دیگر از همان ابتدای پیدایش گرایش‌های صوفیانه و در نتیجه همزیستی مسلمانان با صاحبان ادیان دیگر وجود داشته است. این قبیل مرآودات در قالب‌های مختلف، از قبیل همراهی در سفر، مناظرات کلامی و ملاقات در کاروانسراها و رباط‌ها و خانقاه‌ها، شکل می‌گرفته است. اما آنچه از خلال روایات منقول در متون عرفانی در این رابطه برمی‌آید؛ آن است که در پس تمامی این مرآودات نوعی نبرد و زورآزمایی پنهانی وجود داشته که نهایتاً به پیروزی صوفیان می‌انجامیده است.

۸. نتیجه‌گیری

سفر بیرونی یا سیر آفاق و سفر درونی یا سیر انفس از بنیادهای تصوف اسلامی است که ریشه در تعالیم قرآن دارد. صوفیان مسلمان غایت زندگی را رسیدن به خداوند می‌دانستند که لازمه اش گذشتن از مراحل گوناگون یا سفر درونی بود. آنان برای تحقق این تحول درونی از سفر بیرونی نیز بهره می‌گرفتند و با گذشت زمان برای آن آدابی را تدوین نمودند.

از لحاظ تاریخی مبدأ زمانی خاصی را برای رواج سفر و سیر در آفاق به عنوان یکی از سنت‌ها و مستحسنان صوفیه نمی‌توان مشخص کرد اما در کتب تصوف معمولاً به شکل رسمی از ابراهیم ادهم به عنوان اولین کسی که سیر آفاق و انفس را با یکدیگر تلفیق کرد، یاد شده است.

مهم‌ترین کارکرد سفر در میان صوفیه، ایجاد بستری مناسب برای مبارزه با نفس و خواسته‌ها و آرزوهای نفسانی بوده است. سفر پرده از نقاط ضعف سالک بر می‌داشت و او را به برطرف ساختن ضعف‌ها بر می‌انگیخت. بنابراین بهترین روش برای آماده کردن سالک برای طی مراحل سیر نفسانی محسوب می‌شد. از دیگر اهداف سیر آفاق می‌توان به توبه، تمرین توکل و رهایی از شهرت و غرور ناشی از آن اشاره کرد.

سفر علاوه بر تأثیرات درونی بر عارف موجب پدید آمدن رفتارهای خاصی نیز در میان صوفیان بوده است که برخی از این کارکردها به مرور، در اثر گسترش تدریجی مشرب تصوف و حرکت آن به سوی رشد و کمال ظهور و بروز یافتند. ملاقات با بزرگان و مشایخ وقت، تکمیل تحصیلات، انجام فریضه حج، اشاعه تعالیم تصوف و گریز از شرایط سیاسی و اجتماعی دشوار از جمله این کارکردها هستند. هرچند که به نظر می‌رسد با توجه به تعریف خاصی که صوفیان از سیر آفاق داشتند، این کارکردها در مقایسه با کارکردهای درونی سیر آفاق از اهمیت ثانویه برخوردار بودند و هدف اصلی از سیر آفاق همان دست‌یابی به اهداف درونی آن بوده است.

سفر در تصوف آداب و شرایطی داشت که صوفیان خود را ملزم به رعایت آن می‌دانستند: خروج سالک از وطن خویش، نحوه طی طریق، چگونگی استفاده از مرکب، وسایل مورد نیاز، چگونگی و زمان ورود به شهرها، چگونگی ورود به خانقاه و ... که در بیشتر کتب صوفیه بدان اشارت شده است. به نظر می‌رسد هر کدام از این آداب، سالک را به گونه‌ای آماده می‌سازد تا با غلبه بر هواهای نفسانی و جایگزینی آن با صفات الهی به کمال مطلوب دست یابد.

این سفرهای معمولاً همراه با حوادثی خارق‌العاده است که گزارش صوفیان از آن خواندنی است نمونه‌هایی از این وقایع: دیدار خضر، روبرویی با حیوانات، مشاهده کرامات، عبرت‌آموزی، گرفتاری و اسارت و بهره‌مندی از امدادهای غیبی و همراهی با ترسایان است. آخرین سخن این که صوفیان با سفر در آفاق به شناخت بهتری از خویش دست می‌یابند تا این شناخت را مقدمه شناخت بهتر پروردگار خویش سازند و سفری درونی را آغاز کنند که پایانش وصال و قرب حق و مقام فی‌مقعد صدق باشد.

- ابن عربی، محمد بن علی (۱۳۸۱) فتوحات مکیه. ترجمه محمد خواجوی. تهران: انتشارات مولی.
- باخرزی، ابوالمفاخر یحیی (۱۳۵۸) اوراد الاحباب و فصوص الآداب. به کوشش ایرج افشار. تهران: انتشارات فرهنگ ایران زمین.
- برتلس، یوگنی ادواردویچ (۱۳۳۶) تصوف و ادبیات تصوف. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: امیرکبیر.
- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد (۱۳۷۸) تاریخ بلعمی. تصحیح ملک‌الشعرای بهار. چ ۵. تهران: انتشارات زوار.
- ثواب، جهانبخش و رحمانی، محمد جواد (۱۳۸۸) سیر و سیاحت در قرآن مجید. چ ۲. قم: بوستان کتاب قم.
- جامی، نورالدین عبدالرحمان (۱۳۷۵) نفحات الانس من حضرات القدس، مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی، تهران: انتشارات اطلاعات.
- مولانا عبدالرحمان بن احمد (۱۳۳۶) نفحات الانس. به تصحیح و مقدمه و پیوست مهدی توحیدی‌پور. تهران: کتابفروشی محمودی.
- سراج طوسی، ابونصر (۱۳۸۲) اللع فی التصوف. تصحیح و تحشیة رینولد نیکلسون. ترجمه مهدی محبتی. تهران: انتشارات اساطیر.
- سهروردی، عمر بن محمد (۱۳۶۴) عوارف المعارف. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- سهلگی، محمد بن علی (۱۳۸۴) دفتر روشنائی: از میراث عرفانی بایزید بسطامی. ترجمه دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی. تهران: سخن.
- شبستری، محمود بن عبدالکریم (۱۳۶۵) مجموعه آثار شیخ محمود شبستری: گلشن راز، سعادت نامه، حق‌الیقین - مرآة المحققین، مراتب العارفین. تصحیح صمد موحد. تهران: طهوری.
- عبادی، مظفر بن اردشیر (۱۳۴۷) التصفیة فی احوال المتصوفه، صوفی نامه. تصحیح غلامحسین یوسفی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۳۹۰) تذکره الاولیا. بررسی، تصحیح متن، توضیحات و فهرس از دکتر محمد استعلامی. چ ۲۲. تهران: انتشارات زوار.
- عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین محمد (۱۹۰۵-۱۹۰۷) تذکره الاولیاء، به سعی و اهتمام و تصحیح رنولد الن نیکلسن، دو مجلد، لیدن، مطبعه بریل.
- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۶۴) احیاء علوم الدین. ترجمه مویدالدین محمد خوارزمی. چ ۲. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- فولتس، ریچارد. زمستان (۱۳۸۶) «آیین بودا در ایران». ترجمه ع پاشایی. فصلنامه هفت آسمان، شماره ۳۶، صص ۸۱ - ۹۶.
- قشیری، عبدالکریم بن هوازن (۱۳۸۸) رساله قشیریة. ترجمه ابوعلی حسن بن احمد عثمانی. تصحیح و استدراک بدیع الزمان فروزانفر. چ ۱۰. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

«سفر» و اهداف و آداب آن در نزد صوفیان از قرن اول تا ... ۱۸۹

قبصری، ابراهیم (۱۳۸۲) از همیشه تا جاویدان (برگزیده متون عرفانی). تهران: توس.
ماسینیون، لوئی (۱۳۳۰) منصور حلاج و قوس سرگذشت او. ترجمه عبدالغفور فرهادی کابلی: بی نام.
مایر، فریتس (۱۳۷۸) ابوسعید ابوالخیر: حقیقت و افسانه. ترجمه مهرآفاق بایبوردی. تهران: مرکز نشر
دانشگاهی.

مجتبائی، فتح الله (۱۳۵۸) «عرفان پیر هرات». مقالات و بررسی‌ها، شماره ۳۲ و ۳۳، صص ۱۱ - ۴۰.
مستملی بخاری، ابوالبراهیم اسماعیل بن محمد (۱۳۶۳) شرح التّعرف لمذهب التصوف. با مقدمه و
تصحیح و تحشیه محمد روشن. تهران: انتشارات اساطیر.
مولایی، آزاده (۱۳۹۱) سیر آفاق و انفس در تصوف و عرفان از ابتدا تا قرن نهم. رساله دکتری رشته زبان
و ادبیات فارسی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مینوی، مجتبی (۱۳۷۲) احوال و اقوال شیخ ابوالحسن خرقانی. چ ۵. تهران: طهوری.
ناشناخته (۱۳۸۹) هزار حکایت صوفیان. مقدمه و تصحیح و تعلیقات حامد خاتمی پور. ۲ ج. تهران:
سخن.

نیکولسون، رینولد (۱۳۵۷) پیدایش و سیر تصوف. ترجمه محمد باقر معین. تهران: انتشارات توس.
هجویری، علی بن عثمان (۱۳۸۹) کشف المحجوب. تصحیح دکتر محمود عابدی. چ ۶. تهران:
انتشارات سروش .

یعقوبی، ابوالقاسم. زمستان (۱۳۷۶) «گردشگری در قرآن». فقه، شماره ۱۴، صص ۵۵ - ۸۰.